

مجموعه یحیی بن سعدالدین مورخ ۷۴۴ق

(طرح معرفی دستنویس‌های نفیس فارسی در کتابخانه

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله - ۲)

جواد بشری

مقدمه


از مجموعه‌های بسیار نفیس و کهنه‌ای که به تازگی نصیب کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی رحمته‌الله شده، نسخه‌ای است به شماره ۱۶۵۱۹ که هنوز در فهرس آن کتابخانه وارد نشده^۱ و به لطف جناب استاد دکتر سید محمود مرعشی، عکس آن در اختیارم قرار گرفت تا مطلبی جزئی‌نگر در توصیف آن قلمی کنم. اهمیت محتویات مجموعه مزبور به وجود رساله‌هایی نادر و نویافته از حسام‌الدین حسن خویی، چند رساله/بخش به عربی در ادب، و نیز ادعیه کهن شیعی با اسنادی احتمالاً از عامه، و همچنین ساختار ظاهری کل دستنویس از منظر «مجموعه» سازی در آسیای صغیر در قرن هشتم است که شایسته توجه می‌نماید.



۱. تصویر رقم کاتب این مجموعه (پایان بخش «الف» از مقاله حاضر)، در صفحه داخلی جلد/آستر شماره ۶۰-۶۱ از مجله میراث شهاب (تابستان-پاییز ۱۳۸۹) منتشر شده است.

توصیف ظاهری دستنویس

تمامی رساله‌های این نسخه در ۷۴۴ق و احتمالاً در فاصله زمانی کوتاهی به دست «یحیی بن حاج سعدالدین» به خط یکدستی که نوعی نسخ از شیوه رومی (آسیای صغیر و حتی آناتولی) است و با عناوینی به ثلث، روی کاغذ نخودی‌رنگ و در قطع خشتی (۲۲×۲۴/۵ سانتیمتر) کتابت شده است. فرسودگی، لبه‌های برگ اول و آخر نسخه را آسیب زده است. همچنین رطوبت به گوشه بالای اوراق سرایت کرده، اما به متن نقصی وارد نشده است. چنانکه گفته شد، خط نسخه نوعی نسخ تحریری است که عناصری از تعلیق دارد و در عناوین، به خطی جلی و با قلمی درشت‌تر، به ثلث تمایل یافته است. کاتب احتمالاً خود ادیب (شاید مؤدب) و آشنا به عربیت بوده و خط او در دسته‌بندی / رویکرد دیگری، خطی عالمانه و یا منشیانه (و نه کاتبانه و عاری از دقت) محسوب می‌شود. اوراق نسخه، پابریگ / رکابه ندارد، اما علی‌الظاهر افتادگی‌ای بدان راه نیافته است. این نسخه گرانقدر سال‌ها در مناطق خلافت / امپراطوری عثمانی قرار داشته و گویا از طریق بلاد غربی ایران به کتابخانه مرعشی انتقال یافته است. نوع اشعاری که در لابلای اوراق به عنوان یادداشت‌های پشت‌نسخه‌ای در ادوار مختلف کتابت شده نیز این مطلب را تأیید می‌کند. یادداشت تملک ابوبکر بن رستم شروانی هم - که دانشوری نسخه‌باز و دارای مجموعه‌ای نفیس از نسخه‌های خطی بوده و گویا در همان بلاد (آذربایجان یا اران) می‌زیسته - مؤید نظر ماست. در یادداشت تملک او می‌خوانیم: «الله حسبی. من کُتِبَ ابی بکر بن رستم بن احمد الشروانی». این یادداشت، در برگ ۴۲ نیز تکرار شده است.^۱

۱. یادداشت تملک این شروانی، به خطوط اواخر قرن یازدهم هجری می‌ماند که با قلم نازک فلزی و با مرکب پرمایه و محو‌ناشدنی کتابت شده است. او باید از مجموعه‌داران این قرن باشد که نسخه‌های نفیسی در کتابخانه شخصی خود داشته است. یکی از مهم‌ترین نسخه‌هایی که یادداشت ملکیت او بر آن دیده می‌شود، نسخه شماره ۴۴۳۳ arabe کتابخانه ملی پاریس است که احتمالاً در قرن ششم هجری کتابت شده و مجموعه‌ای از اشعار و رسائل و مکتوبات مسعود بن نامدار، 

لله شاید از صاحب منصبان دیوانی در گنجه و شروان و بیلقان است و همان است که با مشخصات زیر در روسیه چاپ عکسی شده:

مجموعه قصص و رسائل و اشعار، تألیف مسعود بن نامدار، النسخة المصورة للمخطوطة الوحيدة، وضع فهارسها و قدّم لها ولف بیلیس، مسکو، سلسلة آثار الآداب الشرقية، ۱۹۷۰ (روایت).

درباره این نسخه منحصر به فرد که به حوزه آذربایجان و اران تعلق دارد و تملک بسیاری، از جمله یکی همین ابوبکر بن رستم ما بر آن هست، نیز رک: مسائل پارسیه، ج ۳، صص ۳۶-۳۷ (فضاوت مرحوم قزوینی راجع به این اثر، در نوع خود جالب توجه است). همچنین نسخه بسیار نفیس و کهن تاریخ مدینه اصبهان، مورخ ۵۹۱ق، محفوظ در کتابخانه عارف حکمت مدینه به شماره ۴۹- تاریخ، از نفیس کتابخانه او بوده است (کتابخانه‌های عراق و عربستان سعودی، ص ۵۴۵). نسخه شماره ۱۴۳۸ سنا که المرصع فی الإباء و الامهات و الابناء و البنات و الاذواء و الذوات نام دارد و در ۶۵۸ق به دست کاتبی اندلسی کتابت شده، تملک او را بر خود داراست (فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه مجلس سنا، ج ۲، ص ۲۵۵). نسخه منحصر به فرد دیوان ضیاء الدین پارسی / خجندی از سده هفتم و هشتم هجری محفوظ در کتابخانه سلطنتی را که بسیار ارزنده است، این ابوبکر مالک بوده است (فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی، صص ۷۳۰-۷۳۲). نسخه کهن مجموعه‌ای در کتابخانه ملی پاریس به شماره SP۱۴۰۵ از قرن هفتم که همان است که عباس اقبال در تصحیح حدایق السحر رشید و طواط از آن استفاده کرده (حدایق السحر، صص سی-عج)، تملک ابوبکر را بر خود دارد (گزارش سفر پاریس، ص ۲۸۰). دستنویس الوافی فی الفروع شماره ۱۱۸۹۵ مرعشی که مورخ ۷۵۵ق است، در ملکیت او بوده است (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۳۰، صص ۱۷۵-۱۷۶). نسخه اثری از فیروزآبادی موسوم به الغرر المثلثة و الدرر المبتثه مورخ ۷۷۳ق به خط شاگرد مؤلف که اینک به شماره ۳۱۴ در کتابخانه ملک نگهداری می‌شود (فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملى ملک، ج ۱، ص ۳۸۵)، یادداشت تملک او را دارد. نسخه‌ای از سلاح المؤمن غرناطی، مورخ ۸۰۵ق که به شماره ۱۴۰۶ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نگهداری می‌شود، تملکی از او را دارد که نشان می‌دهد نام پدر جد (جد بزرگ) او محمود است (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۴، صص ۱۸۱-۱۸۳)؛ مطلبی که در نسخه ملک شماره ۳۱۴ نیز دیده می‌شود. نسخه کتاب طرح التثريب فی شرح التثريب موجود در کتابخانه دانشگاه لس آنجلس امریکا به شماره ۸۲۹۴ از سده هشتم و نهم هجری، زمانی در تملک او بوده است (فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه لس آنجلس، ۲۸۷) نیز نسخه التحصیل بهمینار، کتابت شده در سده هشتم و نهم هجری، محفوظ در

للہ کتابخانہ واتیکان رم به شماره ۱۴۱۱ که عکسی از آن به شماره ۱۲۲۵ در مرکز احیاء میراث اسلامی در قم نگهداری می‌شود، از متملکات او بوده است (فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۴، صص ۴۹-۵۰). نسخه‌ای ۸۴ برگی از سروده‌های فتّاحی نیشابوری در کتابخانہ دانشگاه شهر آن آربر در میشیگان امریکا نگهداری می‌شود که مورخ ۸۶۸ق است (کتابخانہ دانشگاه شهر آن آربر، صص ۱۱۴-۱۱۵) و احتمالاً در تکمیل «اسراریات» شاعر به ما کمک می‌کند (در این باره رک: قلندریه در تاریخ، ص ۴۸۵، که در آنجا می‌خوانیم: «با اینکه از آثار سبیک (فتّاحی / فتّاحی) نیشابوری نسخه‌های بسیار در جهان وجود دارد، از دیوان اسراری او تاکنون بیش از یک نسخه نیافت‌ام و اساس کار من همان یک نسخه است [نسخه ۱۶۲ ادب فارسی در دارالکتب قاهره، مورخ ۸۷۹ق]»؛ این نسخه نیز از کتابخانہ شروانی بوده است. نسخه بسیار نادر، کهن و ارزنده دیوان سلامه بن جندل، شاعر عهد جاهلی عرب در کتابخانہ سلطنتی (کاخ گلستان فعلی) به شماره ردیف ۱۳۰ و شماره دفتر ۲۲۱۶ که تملک ابن خلکان را نیز بر خود دارد، زمانی در کتابخانہ او بوده است. درباره تاریخ کتابت این نسخه، در فهرست سلطنتی مطلبی جز این نیامده که «صفحات این نسخه قدیمی فرسوده و کهنه می‌باشد» (فهرست کتب ادبی عرفانی خطی کاخ گلستان، صص ۳۶۸-۳۶۹). اما می‌دانیم که این دیوان در جهان عرب بسیار حائز اهمیت است و نسخه‌های بسیار کمی از آن باقی مانده که آن‌ها نیز بسیار کهن است (در این باره رک: مطلبی که لوئیس شیخو با عنوان «دیوان سلامه بن جندل السعدی» در مجله المشرق (سال ۱۳، شماره ۳، اذار ۱۹۱۰م) درباره تحقیقی که خود پیش از کشف و نیز انتشار برگزیده و ترجمه این دیوان در فرانسه به تصحیح کلمنت هوارت در سال ۱۸۹۹م انجام داده بود، منتشر کرد و در آنجا از نادر بودن نسخه‌های این دیوان در جهان سخن گفت. تصحیح او بر اساس نسخه‌های ایاصوفیا و اسکندریه که کراچوفسکی وی را بدان رهنمون شده بود انجام شد، ولی سرعتی که در پیشی گرفتن بر هوارت فرانسوی داشت، صحت و دقت کار او را زیر سؤال برد. چاپ بهتری از این دیوان را دکتر فخرالدین قباوه در ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۸م به دست داد و آن را بر اساس نسخه‌هایی به خط ابن بوّاب و یک نسخه کهن دیگر از قرن ششم هجری تصحیح کرد (رک: دیوان سلامه بن جندل، صص ۲۰-۳۲). اما در تصحیح او نیز گزارشی از نسخه طهران دیده نمی‌شود. برای نسخه‌های کهنی از این دیوان که اغلب به خط ابن بوّاب کتابت شده، رک: اقدم المخطوطات العربیة فی مکتبات العالم، صص ۱۶۱-۱۶۲). نسخه ارزنده و منحصر به فرد سفینه‌ای شعری از عصر شاه شجاع شیرازی که در ۸۴۹ق کتابت شده و اینک در کتابخانہ سلطنتی (کاخ گلستان) به شماره ۲۷۱۵ نگهداری می‌شود (فهرست ناتمام تعدادی از کتب کتابخانہ سلطنتی، صص ۵۸۷-۵۹۰)،

نسخه کلاً ۹۷ برگ قدیمی دارد که با کسر دو برگ آخر آن که شامل مطالب پشت نسخه‌ای است همان ۹۵ (البته به تعبیر درست‌تر، ۹۶ برگ) باید باشد که ابوبکر شروانی در آغاز و انجام نسخه به صورت «خمسة و تسعون ورقاً» نوشته است.

از کتابخانه ابوبکر بن رستم بوده است. مالکیت او بر نسخه معارج النبوة فی مدارج الفتوة کتابخانه دانشکده الهیات مشهد به شماره ۷۱۵ (از مجموعه نفیس مرحوم عبدالحمید مولوی، منتقل شده به آن کتابخانه) بر اساس فهرست آن کتابخانه مسجل است (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، ج ۱، ص ۵۶۲). همچنین تملک او بر روی نسخه‌ای از المعجم فیما استعجم، کتابت شده در قرن نهم احتمالاً در روم شرقی (ترکیه) (به دلیل وجود تملک دیگری روی نسخه متعلق به «مختار احمد المدرس بدمرسة ایاصوفیه» که البته دلیل احتمالی و نه چندان قطعی است) و نیز نسخه‌ای از طراز الحلة و شفاء العلة کتابت شده در همان قرن (این نسخه هم احتمالاً زیسته در طرابلس و آسیای صغیر، به دلیل وجود چند تملک بر روی آن از دو طرابلسی و یک افندی) دیده می‌شود که این هر دو نسخه، اینک به شماره‌های ۹۱ و ۲۴ در کتابخانه مدرسه نمازی خوی، جزو موقوفات شیخ الاسلام خوبی بر آن مدرسه محفوظ است (باغ ارغوان، کتابخانه وقفی شیخ الاسلام خوبی (۲)، صص ۷۹ و ۹۱). دو نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز به شماره‌های ۲۲۹- مشکوة (رساله‌ای بسیار کهن به فارسی در درمان اسب از عهد سنجر سلجوقی، که در فاصله ۸۸۴ق تا ۹۰۱ق در بلاد غربی ایران ترکیه- کتابت شده) (فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، صص ۲۲۱ و ۴۰۹۴) (نسخه‌ای نفیس و منقش از دیوان امیرشاهی سیزواری مورخ ۹۷۰ق) (فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۳، صص ۳۰۷۱)، تملک او را بر اوراق خود دارد. نسخه تحفة الاحرار جامی در کتابخانه سلطنتی را زمانی او مالک بوده است (فهرست ناتمام تعدادی از کتب کتابخانه سلطنتی، صص ۳۰۸-۳۰۹؛ ضبط «شروانی» در این منبع به صورت «شرفلا»! ثبت شده که گویا اشکالی مطبعی باشد). مهم‌ترین نسخه‌ای که در کنار تملک ابوبکر، تاریخ حدودی این ملکیت را نشان می‌دهد نسخه شماره ۷۸ کتابخانه وقفی مجتبی مینوی در تهران است که نسخه‌ای مجموعه‌ای مورخ ۱۰۹۳ق است و در کنار یادداشت ابوبکر، تاریخ ۱۱۰۳ق نیز برای آن دیده می‌شود (فهرستواره کتابخانه مینوی، ص ۴۶). با این حساب نسخه مجموعه‌ای حاضر در کتابخانه مرعشی، از منظر تاریخچه دستنویس و اینکه در اختیار چه کسانی بوده، از اقبالی برخوردار بوده و آن اینکه یکی از کتابشناسان بزرگ قرن یازدهم و دوازدهم، آن را از نابودی حفظ و در مجموعه خود حفاظت کرده است.

از دیگر مالکان نسخه که در آغاز آن یادداشتی زده‌اند، می‌توان به شخصی اشاره کرد که به خط نستعلیق متوسط، در حاشیه برگ عنوان و روی و صالی آن نوشته است: «استصحابه الفقیر ابراهیم روزنامه‌چۀ...؟».

نسخه احتمالاً به خط ابوبکر بن رستم، با همان قلم ریز، به ظرافت شماره برگ خورده است که در ذکر محتویات مجموعه، به همان‌ها ارجاع خواهیم داد. اشعار و پراکنده‌هایی نیز در این اوراق احتمالاً به خط خود یحیی بن سعدالدین هست که بررسی ویژه‌ای نیاز دارد:

۳۴- مطالبی درباره القاب افراد و دعاهای مناسبی که برای هر یک می‌توان به کار برد.

۴۲- غزلی از شاعری با تخلص «یوسف» و با عناوین و نام کامل زیر که غزلی از سعدی را اقتفا کرده است: «الإمام الهمام الفاضل الكامل المحقق المدقق ملک العاشقین افتخار السالکین رئیس الشعرا عمدة الأدبا شیخ یوسف القیرشهری فی مجابات شیخ سعدی نورالله قبرهما...»:

عشق‌بازی ما جوانان راست، نایذ پیر را

عاقلی هرگز نسازد این چنین تدبیر را...

یوسفا چون عمر خود را صرف کردی در هوا

کی بخواهی، بازفرما، عذر این تقصیر را؟»

مطلبی اخلاقی-فلسفی که گویا از اخلاق ناصری باشد، و چند بیت عربی و سپس چند مولودنامه (یادداشت تولد) مربوط به این افراد: یوسف در هنگام طلوع شمس سه‌شنبه ۲۵ رجب ۷۵۹ق؛ احمد در ثلث اخیر از شب شنبه ۹ رمضان ۷۶۳ق؛ هبة‌الله بن عیسی بن محمد در ۱۷ شعبان (؟) ۷۷۰ و اندی؛ فضل‌الله بن عیسی بن محمد در یوم جمعه ۲۰ ذی‌القعده ۷۸۰ق؛ محمد بن عیسی بن محمد الفراعاجی در شب شنبه ۱۶ شوال ۷۸۲ق؛ عبیدالله بن عیسی بن محمد در ۲۴ ربیع‌الاول ۷۸۵ق؛ عبدالکریم بن عیسی در روز سه‌شنبه ۲۰ محرم ۷۸۸ق؛ عبدالرحیم بن احمد بن یحیی در اول لیل پنجشنبه ۱۹ جمادی الاخر ۷۹۸ق.

۱. این جمله دعایی (که برای هر دو شاعر به کار رفته است)، نشانگر درگذشت یوسف قیرشهری در زمان نگارش غزل او در این صفحات (شاید همان نیمه قرن هشتم هجری) است.

۷۵-پ: ابیاتی به فارسی و یک مورد به عربی که دو فقره‌اش عنوان‌هایی دارد
 «حضرت خداوندگار می‌فرماید...» و «مولانا شمس‌الدین التبریزی...».

۷۶- اشعار و ابیات بسیار که برخی عنوان دارد و مهم است، مانند رباعی‌ای از
 «خواجه هارون ... ابن صاحب‌دیوان» (فرزند مقتول شمس‌الدین صاحب‌دیوان
 جویبی^۱)، غزلی از نظام‌الدین ابن نقیب قونوی (رک: بعد از این، مدخل «و» که
 برای فقیهی موسوم به خواجه سیواسی ارسال شده و در ترسیم احوال ابن نقیب
 قونوی -زیسته در قرن هفتم هجری- اهمیت دارد، شعری عربی از شمس‌الدین
 معزئی، فقره‌ای از «معارف سلطان‌العلماء» (=بهاء ولد، پدر مولانا) و نیز نقلی از امام
 صادق علیه السلام در تقسیم‌بندی آیات قرآن («کتاب الله بُنی علی أربعة: العبارة و الإشارة
 و اللطایف و الحقایق...») (رک: تصویر شماره ۱).

۷۶-پ: ابیات و منثوراتی به فارسی و بعضاً عربی بیشتر از سنایی و مولانا.

۷۷- تا نیمه برگ ۷۷-پ: «التقاط من کتاب الفریدة فی الأمثال و الآداب لشمس
 المعالی قابوس بن وشمگیر...» که فقراتی از کتاب مزبور را که به عربی است، آورده است.

۷۷-پ: فهرست ماه‌های رومی و یونانی و نیز رباعی‌ای به فارسی و خطبة النکاح.

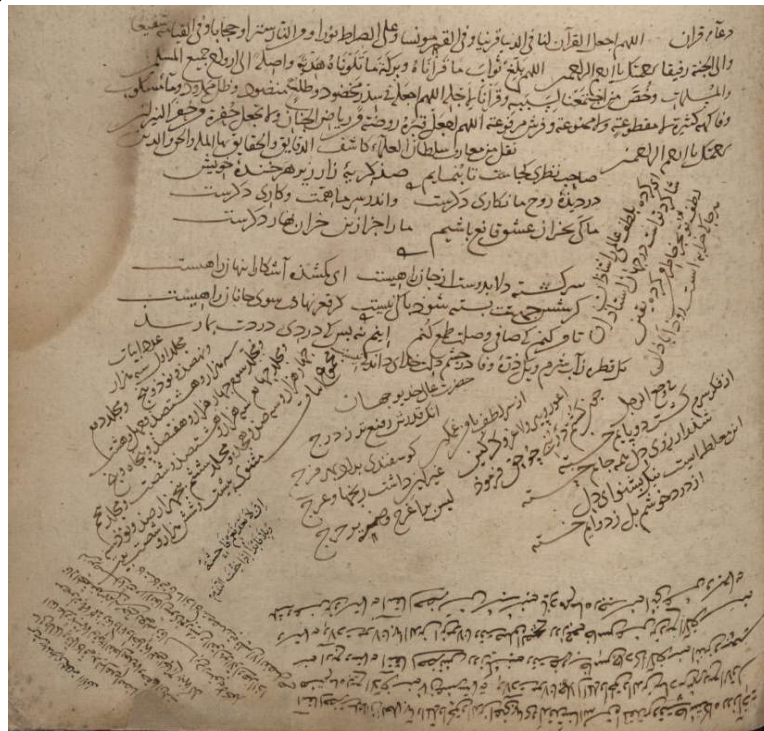
۱. عجالتاً گفته شود که نسختی از دیوانی با تخلص «هارون» که در دانشگاه تهران میکروفیلم دارد
 و به حدس مرحوم دکتر ریاحی، دیوان او تلقی شده است، از شاعری شاید از سده یازدهم به بعد
 است که در کابل بوده و می‌توان او را هارون کابلی نامید و هیچ ارتباطی با هارون بن خواجه
 شمس‌الدین صاحب‌دیوان ندارد.

۲. متن این غزل در اینجا به تمامی نقل می‌شود:

از جفای چرخ آن بسیار نیست	از وفا گر در شما آثار نیست
در دیارِ مردمی دیار نیست	یا شما تنها جفاکاری‌ها
این زمان بر جای آن جز خار نیست	هر کجا تازه گلی بود از وفا
یا بریش و جبه و دستار نیست	مردمی آخر بتکثیرِ دواب
نزد ما او از اولوالبصار نیست	هر که شد مغرور این ده روزه جاه
آنک نظم‌ش جز در شهوار نیست:	نیک گفت آن مقتدای عاشقان
حاصل خواجه بجز پندار نیست»	«خواجه پندارذ که دارد حاصلی

۷۸: دعاء قرآن به عربی، نقل ابیاتی فارسی از «معارف سلطان العلماء کاشف الدقایق و الحقایق بهاء الملة و الحق و الدین»، ثبت تعداد ابیات مثنوی معنوی، تاریخ ولادت و انتقال (=درگذشت) بهای ولد، مولانا جلال الدین و نیز فرزندش بهاء الدین، و مقداری بیت و نثر فارسی و عربی (رک: تصویر شماره ۲).

در اوراق ۹۶، ۹۷ و ۹۷پ نیز مطالبی اغلب به نثر (بیشتر شامل حکایات) به خط کهنی جز به قلم و مرکب اصلی کاتب مجموعه به فارسی نوشته شده که به نظر می رسد از آن کسی باشد که چند مولودنامه را در برگ ۴۲ (از هبه الله بن عیسی تا عبدالکریم بن عیسی) نوشته بود. این موارد با مرکبی کم طاقث کتابت شده که سریع تر از سایر بخش ها، فرسوده و کمرنگ گشته و قابلیت قرائت را از دست داده است.



تصویر شماره ۲

رساله‌ها و بخش‌های اصلی مجموعه

الف) القوائد الوترية (۱-۹): مجموعه بیست و نه قصیده غرّای عربی است در مدح حضرت نبوی ﷺ که آن را واعظ و شاعر شافعی مذهب بغدادی، ابن رشید (۶۶۲ق) سروده و به «وتریات» یا همان «القوائد الوترية» مشهور شده و سراینده‌اش را نیز به «وتری» منسوب کرده است. این قصاید، پس از بُرده بوسیری، شاید یکی از مشهورترین مدایح نبوی در ادب عربی به شمار آید که آن را مکرّر استقبال و تخمیس کرده‌اند و برخی از آن‌ها چاپ شده است.^۱ نسخه ما، پس از نسختی از این قصاید که در مجموعه ابوالمجد تبریزی، مورخ ۷۲۲ق آمده (سفینه تبریز، ص ۵۷؛ البته نسخه مزبور، هم ملخص و هم ناقص است و از قافیه "ق" شروع می‌شود)، کهن‌ترین دستنویس اثر در ایران است. پیش از آغاز قصاید، دیباچه‌ای به نثر از خود شاعر هست که کیفیت سرودن و ابتکاری که در الزام حروف معجم در آغاز مصاریع (علاوه بر حرف روی پایانی) در نظر داشته، توضیح داده شده است.

آغاز: «بسملة، ربّ تمّ بفضلک و کرمک. قال الشيخ الإمام الفقيه العالم الفاضل مجدالدین ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن الرشید الواعظ البغدادی عفا الله عنه و عن والديه و عن جميع المسلمين امين رب العالمين، الحمد لله الذي فضل بعض النبيين على بعض و رفع بعضهم فوق بعض درجات فأتى آدم الصفة و ابرهيم الخلة...» (۱-پ).

انجام:

«...يميناً برّبي انّ قلبي يحبه و ذاك رجائي في الممات و في الحيا

۱. صورت کامل نام ابن رشید، در آغاز دیباچه شاعر بر قصاید، در نسخه ما به این صورت آمده است: «مجدالدین ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن الرشید الواعظ البغدادی».
۲. درباره این قصاید و سراینده آن (که در ثبت دقیق نام او، اختلافاتی در منابع به چشم می‌آید)، رک: معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۱۱۴؛ الاعلام، ج ۷، ص ۲۹؛ هدیة العارفین، ج ۲، ستون ۱۲۷؛ معجم التاريخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، صص ۲۴۹۱-۲۴۹۲ (بیشتر این منابع، تخمیس این قصاید را از او دانسته‌اند)؛ فهرستواره دستنویست‌های ایران، ج ۱۰، ص ۹۸۶ (که علاوه بر سفینه تبریز، نسختی دیگر در کتابخانه مرعشی نیز از آن معرفی کرده است جز نسخه حاضر است)؛ Geschichte der arabischen litteratur, sup ۱, p. ۴۴۱-۴۴۲.

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ. [رقم:] تَمَّتِ الْقَصِيدَةُ [كذا] الْوَتْرِيَّةُ بِعَوْنِ اللَّهِ وَحَسَنِ تَوْفِيقِهِ فِي أَوَاسِطِ مَنْ شَعْبَانَ مِنْ شَهْرٍ سَنَةِ أَرْبَعَةِ وَ أَرْبَعِينَ وَ سَبْعِمِائَةٍ عَلَى يَدَيِ الْعَبْدِ الْحَقِيرِ الْمَذْنُبِ الْمُحْتَاجِ إِلَى رَحْمَةِ رَبِّهِ، يَحْيَى بْنِ الْحَاجِّ سَعْدَالدِّينِ غَفَرَاللهُ لَهُمَا وَ لَجْمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلَا وَ آخِرُ [أ] وَ ظَاهِرًا وَ بَاطِنًا» (۹).
 ب) قواعد الرسائل و فوائد الفضائل (۹پ-۲۶پ): رساله‌ای در آداب ترسّل و نگارش منشیانه، از حسام‌الدین حسن بن عبدالمؤمن خویی، ادیب و منشی مشهور و پرکار سده هفتم هجری در بلاد شمال غرب ایران که نسخه‌های آثارش تا عصر تیموری به وفور خوانده و تکثیر می‌شده است. پیش از این دو نسخه کهن از این کتاب شناسایی شده بود که یکی ناقص و مورخ ۷۰۹ق و دیگری کامل و به نسخ معرب سده نهم هجری است (فهرستواره دستنویست‌های ایران، ج ۸، ص ۳۰۵). در تصحیح عرضه‌شده از این متن که نام آن قواعد الرسائل و فراید الفضائل نهاده شده (مجموعه آثار حسام‌الدین خویی، ص ۲۲۶)، از هر دو نسخه موجود استفاده شده است. در نسخه کهنه ما، در نام اثر به جای «فراید»، «فوائد» ثبت شده است (۹پ، سطر آخر، در دیباچه)، با این توضیح که کلمه «فراید» با علامت «نخ» (نسخه‌بدل) زیر کلمه «فوائد» به همان خط اصلی افزوده گشته است. توضیح دیگری که نیازمند ذکر آنیم اینکه مصحح متن چاپی، آغاز و انجام رساله را به اشتباه بر هم زده است و در آغاز، یک یادداشت اضافه پشت نسخه‌ای را که در نسخه مورخ ۷۰۹ق وجود داشته (همان، صص ۲۲۳-۲۲۴) در متن قرار داده و آن‌گاه متن اثر را با سرآغاز «بهترین مقال حمد آفریدگار ذوالجلال است که...» به دنبال آن آورده است، حال آنکه یادداشت اضافه مزبور هیچ‌گونه ارتباطی با متن ندارد و حداکثر می‌توانست در پای صفحه یا جایی دیگر ثبت شود. مصحح متن چاپی، در پایان کتاب نیز چند بیت افزوده‌شده توسط کاتب نسخه کتابخانه ملک را به دنبال آخرین سطور رساله، در متن آورده است و تردید کرده که «آیا از مستنسخ است یا از مؤلف؟» (همان، صص ۲۹۳-۲۹۴). در نسخه مرعشی، آغاز کتاب مطابق با آغاز متن چاپی (سوی از اشتباهی که مصحح در ثبت آن یادداشت اضافه در آغاز متن چاپی مرتکب شده) است، اما انجام آن در بخش «ختم الکتاب»، اندکی مختصرتر است، به این صورت:

۱. بخش حاضر تنها بخشی از نسخه است که رقمی تفصیلی‌تر دارد و در آن، کاتب نام خود را ثبت کرده است.

ختم الكتاب. بعون الهی و تأیید ایزدی اتمام این مختصر کی با صغر حجم اکثر قواعد رسایل و ضوابط فن کتاب [کذا] را شامل است و با سلاستِ الفاظِ عذوبت معانی و لطافت صنعت را جامع، وقتی اتفاق افتاد کی ...^۱ و سبعمائة. [رقم کاتب:] و الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً» (۲۶پ).

ج) [ابیات عربی و فارسی دعایی برای سرآغازِ نامه‌ها] (۲۷-۲۸پ): رساله‌ای کوتاه، پرفایده و نویافته از حسام‌الدین خویی در دو بخش اصلی: بخش نخست با عنوان «الدعوات الّتی تُکتَبُ فی اوایلِ الرسایل علی الحروف المعجمة»، سروده‌های عربی دوبیتی مناسب برای آغاز رساله‌هاست که اغلب آن‌ها با «سلام الله ما...» آغاز می‌شود. سراینده مجموعه احتمالاً خود حسام خویی است. بخش نخست شامل بیست و نه بیت عربی است که به ترتیب حروف تهجی از الف تا یاء (قبل از یاء نیز قافیه «لا/لام الف» قرار گرفته است) چیده شده است. و اما بخش دوم با عنوان «وله، القسمیات الثلاثیة ایضاً مرتبة علی الحروف المعجم»، اشعار سه بیتی فارسی است که با «بدان خدای که...» آغاز می‌شود و مضمون سوگند دارد. این سروده‌ها هم به احتمال قریب به یقین از خود حسام‌الدین است، چنانکه در آغاز این بخش بدان تصریح شده است. ترتیب چینش این بخش نیز همان نظم معجمی / الفبایی است. از ابتدا و انتهای این بخش، برای نمونه مقداری نقل می‌شود:

[الف]

بذان خدای کی بی سعی صیقل لطفش سپهر آینه‌گون را نبوده است صفا
که بی حضور شریفیت نیافته‌ست رهی حلاوتی ز حیوة و طراوتی ز بقا
ز رنج حرقت و اومید خدمتت شب و روز نشسته‌ام مترصد میان خوف و رجا

[ی]

بذان خدای کی اوصاف ذات پاکش هست حکیم و حافظ و بینا، سمیع و عالم و حی
کی عشق خدمت درگاه آسمان قدرت به جان بنده بیامیخت همچو آب به می
حکایت سخن شوق گفتنم تا چند؟ حدیث انده هجران نوشتنم تا کی؟

۱. پاک شده است در اصل نسخه.

آغاز: «بسمله- ربّ أعین علی إتمامه. من منشآت الامام العلامه ولی التّظّم و التّشر الحسن بن عبدالمؤمن الخوی المعروف بحُسام الشاعر الدعوات التي تكتب في اوایل الرسائل مرتبة علی الحروف المعجمة. ا: سلام الله ما هبّ الصباء...».

انجام: «... حدیث انده و هجران نوشتنم تا کی. [رقم کاتب:] تمّ بعون الله و حسن تأییده».

(د معیار الاشعار الشّمسیة (۲۹-۳۴): از حسام‌الدین حسن خویی. رساله‌ای کوتاه در عروض پارسیان است به زبان فارسی که آن را در پاسخ پیشنهاد شمس‌الدین ابوالیمن [کذا] عمر بن محمد شیرازی و پس از آنکه قصیده عربی‌اش را در علم بدیع موسوم به «روض ربیع» (شاید «روض الربیع») سروده، به نگارش در آورده است. همنامی این رساله با معیار الاشعار خواجه نصیر طوسی که تقریباً در فاصله زمانی کوتاهی نسبت بدان ساخته شده، در نوع خود جالب توجه است. حسام‌الدین خویی در این رساله، نخست قصیده‌ای به فارسی از سروده‌های خود را که در محور عروض ساخته نقل می‌کند و آن‌گاه به اجمال، مباحث مربوط به بحر را با رسم دوایر عروضی شرح می‌دهد. از این قصیده او پیش از این یک نسخه دیگر، کتابت شده در آغاز عهد تیموری (۸۲۷ق) سراغ داشتیم که در سفینه محمودشاه نقیب، تدوین شده در شیراز وجود داشت و من آن را در معرفی‌نامه‌ام از آن سفینه، نویافته دانسته بودم (مجموعه لطافت و منظومه ظرافت = جنگ محمودشاه نقیب، ص ۵۴۷) و البته چنین هم بود، اما اینک با وجود نسخه مرعشی از این اثر - که علاوه بر متن قصیده، صورت کامل رساله منشور حسام‌الدین را با نامی مستقل داراست - جنگ محمودشاه نقیب از این نظر منبع یگانه‌ای نیست. پس از بررسی‌های اولیه، متوجه شدیم که یک نسخه دیگر از متن صرف قصیده، در سفینه سده یازدهمی ۷۹۸سنا در کتابخانه مجلس، برگ‌های ۲۰۰پ- ۲۰۱پ نیز هست که تاکنون کسی بدان نپرداخته است.^۱ ابیات آغازین قصیده حسام‌الدین چنین است:

۱. این آگاهی را مرهون یادآوری دوست دانشور، جناب آقای مهدی رحیم‌پور هستم که همین جا از ایشان سپاسگزاری می‌کنم.

محرر رقص این قصیده غرّا مطرّر عَلم این جریده عذرا
 حَسَن که اوست به حُسنِ کلام تام شده کدام تام و چه حُسن این کمینه شعرا
 به نظم نادر و طرز غریب و رسم عجیب نمودگی ز فنون عروض کرد انشا
 عروض چیست؟ ترازوی شعر تا دانی صحیح شعر ز فاسد بدو شود پیدا...
 در انتهای قصیده، حسام‌الدین دوباره ذکر شمس‌الدین عمر شیرازی را آورده و
 گفته که غرض از ساختن این قصیده، تقرّب به درگاه او بوده است:

نظام نظم چو اینجا کشید وقت آمد که صد زبان شوم اندر تنای مولانا
 امام اهل هدی سیدی که خاطر او بکرد جمله امواتِ علم را احیا
 بزرگ خطّه شیراز، شمس ملت و دین که شمس پیش ضمیر منیر اوست سُها
 عمر که سیرت صدیق دارد و فاروق چو صدر ثالث و حیدر به علم و حلم و حیا
 رفیع همت و رتبت، بلندقدر و محل محیط نور ولایت، مقرر قرب و ولا...

حسام‌الدین پس از اتمام قصیده، بلافاصله به سراغ «محمور العروض» رفته و در
 ذیل هشت دایره، ابیات آن را بر اساس عروض عربی خلیل بن احمد شرح داده است؛
 البته با توضیحاتی مربوط به وضع برخی محور توسط «پارسایان» (=پارسیان). در
 انتهای رساله دو بخش اضافی دیده می‌شود که یکی عنوان «فصل، در بیان فرایند
 عروض و فرق میان عروضی و ذوقی» دارد و در آن او از یکی از استادان خود
 «امیرعلاء‌الدین یحیی، قدوة ادبای قونیه» مطلبی را که وی از ملک‌الشعراء روم
 «بهاء‌الدین قانعی» (طوسی؛ صاحب سلجوقنامه مفقود و نیز کلیله و دمنه منظوم
 موجود که ذکرش در تاریخ ابن بی بی و مناقب العارفين افلاکی هست) درباره ایراد
 وزنی متنبی شنیده بوده، نقل می‌کند. در بخش اضافه دیگر، حسام‌الدین توضیحی
 راجع به وزن رباعی می‌دهد و در آن مطلبی به نقل مستقیم از «عروض پارسی»
 ادیب صابر (ترمذی)^۱ می‌آورد که گویا در منابع دیگر نیز کم و بیش نقل شده است.

۱. در این باره به مقاله ممتع بهروز ایمانی در شماره پیشین همین نشریه مراجعه شود با این مشخصات:
 «عروض منظوم تاج‌الدین علی بن صابر ترمذی (سده ۶ق)»، بهروز ایمانی، فصلنامه میراث شهاب،
 شماره ۶۳-۶۴، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۲۵۹-۲۸۴.

آغاز: «بسمله، ربِّ تَمَّ بالخیر-

الحمد لله الذی أحيانا
بعدد الأنفاس لا أحيانا
شرفنا مرتبة و شأننا
أزال عتًا فضله ما شأننا

چنین گوید ناثر این نقود و ناظم این عقود، الحسن بن عبدالمؤمن بن علی الخوی
أحسن الله خاتمه کی چون قصیده تازی که موسومست به روض ربیع در علم بدیع
کی پیش ازین انشاء کرده بود، به محلّ مطالعة نظر مبارکِ موقف عالمی، ملک المشایخ،
کاشف الحقایق و الدقایق، مظهر اللطایف، قطب المحققین، مرشد الواصلین، مهبط انوار
الیقین، قدوة المحدثین و المفسرین، شمس الملة و الحقّ و الدین، شرف الاسلام و المسلمین،
ناصر الملوک و السلاطین، ابی الیمن عمر بن محمد الشیرازی یدیم الله برکات ایامه و
بسط علی اهل الفضل مواید انعامه رسید، از آنجا کی محاسن اخلاق ایشان است،
تشریف تحسین ارزانی داشته فرمودند کی این در یتیم و گوهر ثمین را قرینی باید و
این نهال نازنین بی همال کی از قریحه دهر دورین را ید ناید (?) چه صاحب علم بیان
را از معرفت اوزان ناگزیر باشد و این هر دو فن از تتمه فضایل شاعر و دبیر تواند
بود. چاکر مخلص چون از الحاح این اقتراح مخلص نیافت، با قلب استعداد از میامن
این همت استمداد کرده مختصری در فنّ عروض چنانک مشتمل اکثر بحور
پارسیانست علی سبیل التعجیل تحریر لازم دانست و قصیده‌ای کی حاوی مقدمات و
ضوابط علم عروضست به وجهی که طالب راغب را مفید باشد مصدر گردانید و به
دعا و ثنا [ی] سیدی معظم یدیم الله ظلّه به ختم کرد و مجموع را معیار الاشعار
الشمسیة نام نهاد تا چون ذکر جمیل و صیت شایع آن حضرت کی در بلاد و دیار
سایرست بر دست احباب و اصحاب دایر باشد. حق سبحانه و تعالی سایه سعادت
ایشان را بر سر کافه عزیزان و درویشان دایم داراد؛

بقاؤک فینا نعمة الله عندنا
فنحن بأوفی شکرها نستدیمها

و هذه مقدمة العروض:

محرر رقم این قصیده غرّا
مطرز علم این جریده عذرا...

انجام: «... و جزو اول که مفتعلن است شاید که مفعولن آید و جزو آخرین که مفعولن است شاید که مفتعلن افتد اما غالب آنست که تقطیع کرده شد. اگر رباعی چند را تقطیع کنند روشن شود. و السلام علیکم اولاً و آخراً» (۳۴ر).^۱

هـ) قصیده «روایع الافکار فی بدایع الاشعار» (۳۴پ-۳۶ر): از حسام‌الدین حسن خوبی که قصیده‌ای بدیعیه است و نویافته محسوب می‌شود. ساختنی قصاید بدیعیه تقریباً از سده ششم هجری در ادب فارسی مرسوم شد و قوامی مطرزی گنجه‌ای و رشید و طواط از سده ششم، در آن طبع‌آزمایی کردند و قصیده قوامی به طور ویژه مورد اقبال و استقبال قرار گرفت و از آن نسخه‌ها برداشتند. در قرن هفتم هجری، این قصیده نویافته حسام‌الدین حسن، در کنار قصیده مصنوع سید ذوالفقار شروانی، هر دو از قرن هفتم هجری، می‌توانست الگویی برای سلمان ساوجی، فضل‌الله قزوینی و گروهی دیگر در سده هشتم در این راستا به شمار آید. نسخه حاضر علی‌الظاهر منحصر به فرد و یگانه است^۲ و شایسته است بر همین اساس تصحیح شود.

۱. قصیده حسام‌الدین بر اساس این نسخه و نیز نسخه محمودشاه نقیب تصحیح و با این مشخصات منتشر شد:

قصیده در علم عروض، سروده حسام‌الدین حسن خوبی، به کوشش محسن ذاکرالحسینی، متون ایرانی، به کوشش جواد بشری، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰، دفتر یکم، صص ۲۴۱-۲۶۳ (چاپ عکسی تمامی رساله، در انتهای تصحیح مزبور آمده است).

۲. احتمالی هست و آن اینکه نسخه شماره ۵۰۸۵ کتابخانه ملک، بخش ۴۵ که در متن و حاشیه برگ‌های ۴۶ و ۴۷ کتابت شده و در فهرست آنجا «صنایع بدیعی» یا «قصیده مصنوع» نام گرفته، نسخه دیگری از همین قصیده باشد (فهرستواره دستنوشته‌های ایران، ج ۷، ص ۱۹۲)؛ باید دیده و مقایسه شود. اثر دیگری از حسام خوبی که شایسته نشر است، مجموعه‌ای از نامه‌های الگو برای منشیان است که کنزاللطائف نام دارد؛ سه نسخه از آن تاکنون در ایران شناسایی شده (فهرستواره دستنوشته‌های ایران، ج ۸، ص ۸۳۲) و نسخه اقدام آن مورخ ۸۲۲ق در کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره ۲۹۶۰/۳ نگهداری می‌شود (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، ص ۶۰۳؛ صد نسخه نفیس، ص ۱۱۲). پس از بررسی صحت انتساب اثر به حسام خوبی (زیرا فقط نسخه کتابخانه ملک این انتساب را تأیید می‌کند و نسخه مسجد اعظم و مرعشی، نام مؤلف ندارد)،

ممدوح شاعر در این قصیده، رکن‌الدین قلیج ارسلان بن کیخسرو سلجوقی است که در ۹۰ق بر قسطنطنیه در آناتولی تاخت و مظفرالدین یولوق ارسلان، از حاکمان آل‌چوپان را که ممدوح حسام‌الدین نیز بود، از میان برداشت. آغاز: «بسمله، ربّ أعین علی اتمامه. روابیع الافکار فی بدایع الاشعار فی مدح السلطان رکن‌الدین قلیج ارسلان بن کیخسرو، من مقاله ملک الکلام حسام‌الدین حسن بن عبدالمؤمن الخوی رَحِمَهُ اللهُ»:

الترصیح

ای جهان را به دولت تو قرار وی زمان را به خدمت تو مدار
الترصیح مع التجنیس
مهترانه سرای و درگه تُست مه ترانه‌سرای درگه بار
تجنیس تام
چرخ را چرخ تو به چرخ آرد تیر را تیر تو دهد زهار...»

لله تصحیح آن ضروری است. استطراداً از یک نسخه کهن دیگر از نصیب‌الفتیان حسام‌خویی که در کتابخانه خصوصی شریعتی کاشانی در قم نگهداری می‌شود و احتمالاً در قرن هفتم و هشتم هجری کتابت شده، اطلاع داده می‌شود. این نسخه را جناب شریعتی در فهرستی که از نویافته‌های کتابخانه خود منتشر کردند، نام برده‌اند (کتابخانه شهید محمدحسین شریعتی و تازه یافته‌های خطی آن، ص ۱۰۰). بنابر مراجعه حضوری و رؤیت اصل دستنویس نزد ایشان، کهنگی دستنویس تأیید شد، اما وضع نسخه بسیار نامناسب و دچار فرسودگی بسیار است و حتی قابلیت عکسبرداری نیز ندارد. آخرین نکته‌ای که درباره آثار حسام‌خویی گفتنی به نظر می‌رسد، نشر تحفه حسام (لغت منظوم ترکی به فارسی) در ایران است که از آن مطلع شدم، اما هنوز به نظر نرسیده است. مشخصات تصحیح مزبور از این قرار است:

تحفه حسام، تألیف حسام‌خویی، تصحیح و مقدمه: دکتر ح. م. صدیق-پرویز شاهمرسی، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۹.

از قرار معلوم، این منظومه پیش از این در جمهوری آذربایجان نیز منتشر شده بوده است. عجیب است که عباس‌زاده، از یافتن نسخه این اثر اظهار ناامیدی کرده (مجموعه آثار حسام‌الدین خویی، ص ۲۵)، حال آنکه دستنویسی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه به شماره ۸۵۸۴ (بخش ۶ مجموعه) موجود است (فهرستواره دستنویست‌های ایران، ج ۲، صص ۹۲۵-۹۲۶).

انجام: «... حسن المقطع

تا رود ساقه را مقدّم پیش
تا بُود قلب را یمین و یسار
بر یمینت نشسته قلبِ ظفر
بر یسارت کشیده فتح قطار
مان از ایام پادشاهی شاذ
باش از تاج و تخت برخوردار
ایمن از انقلاب دور فلک
فارغ از اختلاف لیل و نهار

[رقم:] تَمَّتِ الْقَصِيدَةُ بِعَوْنِ اللَّهِ وَ حَسَنِ تَوْفِيقِهِ، وَ السَّلَامِ « (۳۶ر).

(و منشآت نظام‌الدین محمد بن نقیب (۳۶پ- ۴۱پ): منشآت و نامه‌های شخصی است به نام نظام‌الدین محمد بن نقیب (بر اساس جمله نخست نامه‌ها) که در قرن هفتم می‌زیسته و به گروهی از معاریف این قرن که در همان بلاد شمال غربی ایران بوده‌اند، نامه نگاشته است. پیش از این، غزلی از او در خطاب به خواجه سیواسی نقل شد؛ و اینک عناوین نامه‌های این بخش:

- أصدر هذا الى جناب قطب‌الدین الشیرازی تغمّده الله بغفرانه و أسكنه في بحوحة جنانه.
- دیگر بخدمت مولانا ملک المشایخ بهاء‌الحق و الدین نوشته شد بقونیه.
- این نامه در جواب محدومی دل‌بند اتفاق افتاد.
- این مکتوب [به] مرحوم نصیر / نصرالدین نبشته است.
- دیگر به صدر کبیر تاج‌الدین طغرای نویخته شد بعد از واقعه بالتو^۱ و تفرق امرای سلطنت جمعهم الله تعالی.
- ایضا الی امیر شرف‌الدین عثمان.
- وله ایضا.
- این رقعہ در طلب قدری عنبر تحریر یافت (برای درمان زکام خود خواسته است).
- وله ایضا الی بعض الاخوان.
- لغیره فی الجواب.
- جواب آخر.

۱. درباره شورش بالتو، از امرای مغول که در ۶۹۶ق به قتل آمد، علاوه بر تاریخ مغول اقبال، نیز رک: تاریخ آل سلجوق در آناتولی، ص ۱۱۲.

— نجم‌الدین اتابک نویسد به خدمت شرف‌الدین موصلی.

— سر‌نامه‌ها (جملاتی است مناسب آغاز کردن منشآت).

— دو نامه بدون عنوان تفصیلی که نخستین آن «خدمات» نام گرفته و در خطاب به «پادشاه جهان، ... یاذگار آل سلجوق، سلطان جهان‌پناه، ... مهدی الرحمة فی آخر الزمان» است و درباره تأخیر این پادشاه سلجوقی در مراجعت به وطنش در سفر زیارتی «ترتبه مقدس مطهر مولانا». در همین نامه، نگارنده از اینکه «جاوید خاتون جهان والده معظمه» شاه را درباره تأخیر بازگشت او استمالت و دلداری داده، سخن گفته است.

آغاز: «بسمله، ربّ أعن علی اتمامه — من منشآت ملک الفضلا قدوة المتأخرین جامع الفضایل المولی نظام الملّة و الدّین محمد بن النقیب نور الله ضریحه — أصدر عذا إلى جناب قطب‌الدّین الشّیرازی تعمّده الله بغفرانه و اسکنه فی مجوحة جنانه.

سلام کعقد الدرّ اّمّا منضّدا و اّمّا شتیتا خانه السلك إذ وهی

علی قطب افلاک الفضایل و الحجی امام الوری بحر الندی فلک التّهی...

امداد خدمات که اعداد آن از حدود حصر و تعداد تجاوز کند به جناب والا و سده معلّا خداوندگار مولانا مولی اکابر العالم بقیة الله فی أرضه... ابلاغ و اهدا می‌رود. بواعث شوق و عزام و لواعیج ضمیر مستهام به ادراک سعادت تقبیل...».

انجام: «... بدان جانب توجّه کنند امیدست که بجاذبه درون مبارک مساعدت فرماید تا مگر ... (?) علیک اشواق کی ساهاست کی دل و جان این مخلص را معذب می‌دارد کرده شود، ان شاء الله تعالی جهان بکام باد. [رقم: تم]» (۴۱ پ).

(ز) روضة الکتاب و حدیقة الالباب (۴۲ ر- ۶۴ ر): اثر ابوبکر بن زکی متطبّب قونوی، ملقب به «صدر» که از کتب مشهور و رایج در ترسّل از سده هفتم هجری است^۱ و نسخه‌های کهنی از آن بر جای مانده است و یکی از آنها،

۱. سیدیونسی در مقدمه تصحیح خود از این اثر، کتاب دیگری را نیز در همین موضوع و شامل نامه‌های دیگران به صدر قونوی موسوم به ریحانة الکتاب فی رسائل الاصحاب به او نسبت می‌دهد و بدون اینکه محل نگهداری دستنویس مورد استفاده‌اش را ذکر کند، اعلام می‌کند که آن را تصحیح کرده و به زودی منتشر خواهد کرد (روضه الکتاب، سیدیونسی، ص بیست و پنج)، اما این آرزو هیچ‌گاه محقق نشد.

همان نسخه مورخ ۷۳۷ق است که در کتابخانه ملی تبریز به شماره ۳۶۸۷ نگهداری می‌شود و پیش از این، تنها نسخه موجود از این کتاب در ایران به شمار می‌رفت. سایر نسخه‌های اثر در ترکیه (یک دستنویس، به خط مؤلف تشخیص داده شده است) و نیز پاریس نگهداری می‌شود که می‌رودود سیدیونسی در تصحیح خود، منتشر شده به سال ۱۳۴۹، از نسخه تبریز و نسخه‌های ترکیه بهره گرفته است (روضة الکتاب، سیدیونسی، صص سی و شش-چهل و چهار). چاپ دیگر این کتاب توسط انجمن تاریخ ترک در ترکیه به تصحیح علی سویم در سال ۱۹۷۲م (تقریباً همزمان با نشر تصحیح سیدیونسی در ایران) منتشر شد که در آن از همه نسخه‌ها جز نسخه تبریز استفاده شده است (روضة الکتاب، سویم، صص ۷۳-۷۲). جمع‌بندی نهایی اینکه از این اثر، پیش از این حدود پنج نسخه می‌شناختیم (معجم‌التاریخ التراث الاسلامی، ص ۱۲۸؛ فهرستواره دستنویست‌های ایران، ج ۵، ص ۱۰۶۹) که نسخه مرعشی را باید بدان‌ها افزود؛ نسخه‌ای که از نظر قدمت، در جایگاه ماقبل آخر قرار دارد، اما از آنجا که به دست کاتبی عربی‌دان کتابت شده، ارزش خاص خود را داراست.

آغاز: «بسمله، ربّ أعن علی إتمامه و به نستعین- حمد و سپاس و شکر بی‌قیاس خداوندی را [نسخه بدل با علامت «نخ»: خذای را] که اعداد امداد فیض فضل او درباره عالمیان از تنگنای احصا و مضیق شمار بیرون است...».

انجام: «... و در سرای دنیا دینار او موجب سرور و در ظلمت قبور کردار او سبب نور آن خداوند شود، و سلّم و الله أعلم» (۶۴ر).

ح) نزهة الکتاب و تحفة الاحباب (۶۴پ- ۷۵پ): از حسام‌الدین حسن خوبی که نسخه‌های فراوانی دارد (فهرستواره دستنویست‌های ایران، ج ۱۰، ص ۶۵۶) و احتمالاً نخستین نگارش برجای مانده او بوده و همان است که مصحح مجموعه آثار خوبی، با استفاده از چهار نسخه کهن تر اثر، آن را تصحیح کرده است (مجموعه آثار حسام‌الدین خوبی، صص ۳۴، ۱۵۵-۲۱۹). نسخه نویافته حاضر، دومین نسخه کهن اثر در این ردیف محسوب می‌شود و از این نظر شایسته توجه است.

آغاز: «بسمله، حسب العبد مولاه- الحمد لله الذی تفضّل علی عباده بمواهب الأنعام...».

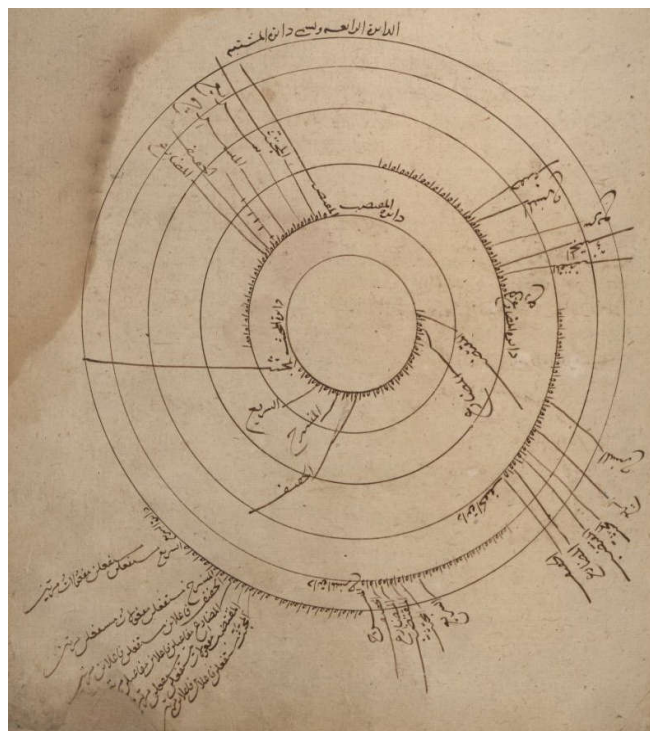
انجام: «... ترجمه:

تا گردِ قطبِ گردد بر روی چرخِ فرقد عیش تو باذِ دایم، اقبالِ تو مَحَلِّدِ
[رقم:] تَمَّتْ کِتَابَةُ نَزْهَةِ الْکِتَابِ «(۷۵پ).

ط) القسطاس فی العروض (۷۸پ-۸۵پ): این بخش که در عنوان، نامی توسط کاتب برایش ثبت نشده، رساله مشهور زمخشری در عروض عربی است که القسطاس / القسطاس المستقیم نام دارد و دارای نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های ایران و جهان است که البته همه آن‌ها قدیمی نیستند و نسخه مرعشی را باید یکی از نادرترین و کهن‌ترین نسخه‌های اثر پس از دستنویس‌های ترکیه به شمار آورد. این رساله تاکنون دو بار تحقیق و منتشر شده است: یکی با عنوان القسطاس المستقیم فی علم العروض به سال ۱۹۶۹ در بغداد به تحقیق و با حواشی بهیجة باقر الحسینی و با مقدمه کمال ابراهیم و صفاء خلوصی توسط مکتبه الأندلس؛ و دیگری با نام القسطاس فی علم العروض، به تصحیح دکتر فخرالدین قباوه، چاپ نخست در حلب، به سال ۱۹۷۵ (تجدید طبع در بیروت، مکتبه المعارف، الطبعة الثانية المجددة، ۱۹۸۹) که کار درخور توجهی است، اما مثلاً در همین تحقیق اخیر، مصحح از دو نسخه بهره برده که نسخه تاریخ‌دار و گویا کهن‌ترش، مورخ ۸۷۱ق است (القسطاس فی علم العروض، صص ۴-۵). در یک منظر کلی، دستنویس‌های این رساله عبارت است همان ده نسخه‌ای که قباوه بدان‌ها اشاره کرده (همان، ص ۳)، چند نسخه دیگر در ترکیه که یکی مورخ ۶۵۵ق، یکی مورخ ۷۴۰ق و یکی هم از ۷۷۷ق است (معجم التاريخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ص ۳۶۰۴) و نیز نسخه‌هایی در کتابخانه مجلس در ایران به شماره ۳۵۷۸ بخش ۲، مورخ ۱۱۳۶ق و کتابخانه ملک به شماره ۷۹۳ بخش ۲ از سده دوازدهم هجری (فهرستواره دستنویس‌های ایران، ج ۸، ص ۱۸۸).^۲

۱. متن چاپی (ص ۲۱۶) حدود دو صفحه‌ای بیش از این نسخه دارد.

۲. درباره این رساله نیز رک: کشف‌الظنون، ج ۲، ستون ۱۳۲۶؛ الاعلام، ج ۷، ص ۱۷۸ (با قید اینکه در آن زمان خطی بوده و چاپ نشده بوده است)؛ تاریخ الادب العربی (بروکلمان)، المجلد الثالث، الجزء الخامس، ص ۲۲۹؛ الدراسات التحویة و اللغویة عند الزمخشری، ص ۹۴؛ معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی، صص ۴۹-۵۰، ۱۵۷ (شمس فخری را در بخش عروض این کتابش، تحت تأثیر نظرات زمخشری در «قسطاس» دانسته‌اند).



تصویر شماره ۳

دوایر این رساله در انتهای نسخه ما، به دقت و احتمالاً با پرگار رسم شده که از نظر قدمت این گونه تصاویر در دستنویس‌ها، کمیاب و شایسته توجه است (رک: تصویر شماره ۳).

آغاز: «بسمله، ربّ أعن علی إتمامه۔ قال الإمام الزّاهد جارالله العلامّة فخر خوارزم ابوالقسم محمود بن عمر الزّمخشری رحمه الله: أسأل الله الّذی عدلّ موازین قسطه و عایر مکائیل قبضه و بسطه و دعا فی کتابه بالویل علی المطفّفين فی الکیل...».

انجام: «...مخبون کله،

اهل الدنيا، کلّ فیها نقلاً نقلاً، دفناً دفناً

مقطوع کله، الثانی و له ضربٌ واحدٌ. [رقم: تمّ الكتاب و الحمد لله وحده] (۸۴پ؛

به اضافه دوایری که در پایان رسم شده و تا برگ ۸۵ پ ادامه یافته است).

ی) [ادعیه شیعی] (۸۶ر- ۹۵پ): چند دعا از ائمه شیعه علیهم السلام است که در برگ

عنوان این بخش (۸۶ر) به خط اصلی و با قلم درشت تری، چنین توصیف شده است:

— مناجات انجیلیه امام زین العابدین علیه السلام و یک مناجات دیگر از ایشان (۸۶پ) —
 (۹۱پ): با عنوان صریح «من انجیل زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام» که در آغاز آن مجدداً دیده می‌شود. ابتدای دعا در این نسخه چنین است: «اللهم بذكرک أستفتح مقالی و بشکرک استنجح سؤالی و علیک أتوکل...». طبق دانسته‌های فعلی، این نسخه کهن‌ترین نسخه‌ای است که از این روایت مناجات منسوب به امام سجاده علیه السلام باقی است و شایسته توجه بسیار. روایتی که مد نظر است و در اینجا نیز با آن مواجهیم، روایت کبرای مناجات است که مجلسی دوم آن را در باب سی و سوم بحار الانوار، به نقل از کتابی موسوم به انیس العابدین،^۱ نگاشته «بعض قدمائنا» نقل کرده است (بحار الانوار، ج ۹۱، صص ۱۵۳-۱۷۳). این مناجات در اصل صحیفه کامله موجود دیده نمی‌شود و روایت کبرای آن را فقط در همین منبع و آن هم به نقل از کتاب انیس العارفين نشان داده‌اند. تحقیقاتی که پس از عصر صفوی و روزگار صاحب شیخ حرّ عاملی نیز به صورت تکمله زدن بر صحیفه مشهور رواج یافت، سرخ تازه‌تری نسبت به دانسته مجلسی دوم به دست نداد تا اینکه نهایتاً آفندی در استدرآکی که بر صحیفه موجود نگاشت، آن را بر اساس کتابی عتیق از مؤلفات قدمای شیعه که در اردبیل بدان دست یافته بود، ثبت کرد و آن را همان مناجات انجیلیه‌ای دانست که ابن شهر آشوب، ذیل احوال یحیی بن علی بن محمد حسینی برقی از آن یاد کرده و آورده است که این راوی، این مناجات را از امام صادق روایت کرده است.^۲ (الصحیفه الثالثة السجادية، نسخه ۸۱۹ ط، صص ۱۳۲-۲۰۳؛ همان، نسخه ۱۲۳۶۷، صص ۴۷-۸۴ر).

۱. این اثر را نسخه‌های بسیاری است و ظاهراً هنوز چاپ نشده است. اگر چه در شناسایی ادعیه شیعی در یک دوره حسّاس (دوره انتقال موارث شیعی از تیموری به صفوی) نقش مهمی ایفا می‌کند. برای آگاهی از نسخه‌های متعدد این اثر (کهن‌ترین در ایران، مورخ ۹۶۸ق) رک: فهرستواره دستنوشته‌های ایران، ج ۲، ص ۲۷۷. دانش پژوه، صاحب این کتاب را که شخصی است موسوم به محمد بن محمد طیب، از مردمان سده نهم هجری دانسته (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، مجموعه امام جمعه کرمان، ص ۷۱)، اما سید محسن امین او را از روزگار صفوی معرفی کرده است (أعیان الشیعة، ج ۹، ص ۳۷۷) که اگر چنین باشد، وی باید زیسته در عهد شاه طهماسب و یا حتی شاه اسماعیل بوده باشد و نه شاه عباس اول.

۲. در این باره، رک: معالم العلماء، ص ۱۶۶

اما نسخه حاضر، کهن‌ترین منبع این مناجات و روشن‌گر یکی از ابهامات آن نیز هست. زیرا علاوه بر اینکه ما را با مأخذی کهن‌تر از یکی از ادعیه کهن شیعی روبرو می‌کند (دست کم مأخذی از دویست سال پیش‌تر از مأخذ موجود فعلی)، ایرادی را نیز که در روایت مجلسی و افندی در به هم آمیختن این مناجات با یک مناجات دیگر منسوب به امام سجّاد علیه السلام دیده می‌شود (که شاید این ایراد در اصل مأخذ ایشان وجود داشته)، برطرف می‌نماید. شرح مطلب چنین است که روایت مرحوم مجلسی و همچنین روایت افندی (که گویا به مأخذی کهن‌تر از انیس العابدین دسترسی داشته) از این مناجات بسیار طولانی است و در اوایل، فقراتی با سرآغاز «اللهم» دارد. اما پس از حدود پنج صفحه متن چایی بحار (در قطع وزیری چاپ‌های جدید مشهور)، ناگهان تمثیدیه‌ای تازه دیده می‌شود با آغاز «الحمد لله خالق امشاج النسم» که بعد از آن، سبک و لحن خطاب‌ها تغییر می‌کند و فقره‌ها نیز اغلب با عبارت «سیدی» شروع می‌گردد. این بخش تازه در واقع، مناجات دیگری بوده که چنانکه گفته شد، یا خود صاحب بحار آن را به اشتباه به پایان انجیلیه پیوند زده و یا صاحب کتاب دعایی انیس العابدین که مأخذ او بوده است. با یافت شدن منبع کهن و نویافته ما، این مشکل نیز برطرف می‌شود و می‌توان درباره آن با قطعیت بیشتری اظهار نظر کرد. زیرا در این نسخه و در انتهای مناجات انجیلیه، یک فقره اضافه و پایان‌دهنده هست که در روایت مجلسی دیده نمی‌شود و فی الواقع در حکم خاتمه مناجات بوده است. این فقره را در اینجا نقل می‌کنیم:

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَأَضْعَافِ ذَلِكَ وَأَنْ تَوْهَّلَنِي لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ وَتَوَجَّبَ لِي مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمِبَالِغَةِ فِي طَاعَتِكَ وَتَوْفَّقَنِي لِمَرْضَاتِكَ ... [یک کلمه ناخوانا به دلیل رطوبت دیدگی] بِفَوَائِحِ خَيْرَاتِكَ وَتَجَعَّلَنِي فِي نِظْمٍ مَنْ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى مِنْ جَنَائِكَ يَا ذَا الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، اَللّهُمَّ أَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْعَبْدُ الْهَالِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْكَ أُنِيتُ وَبِكَ أَسْتَعِينُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.

پس از اتمام فقره مزبور از مناجات انجیلیه، با قلم درشت‌تری، عنوان زیر دیده می‌شود: «و من مناجات زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب

علیه و علی آبائه و ابنائه السلم» و بعد از آن بلافاصله فقره تحمیدیۀ مناجات تازۀ مزبور (همان «الحمد لله خالق امشاج النسم») قرار می‌گیرد (رک: تصویر شماره ۵). با این اوصاف در استقلال این دو مناجات و ایرادی که در مآخذ مربوط به عصر صفوی وجود داشته می‌توان بر اساس این منبع کهن تازه‌یاب به قطعیت رسید و پژوهش‌های جدیدی را در مورد این دعای مشهور آغاز کرد.^۱

مناجاتی دیگر از امام سجّاد (پ ۹۱) با این عنوان: «کان علی بن الحسین صلوات الله علیه فی جوف اللیل بعدما یهدی کلّ عین یقول فی دعائه: مارت نجوم سمواتک و نامت عیون خلقک و هدأت اصوات عبادک... [إلخ]» این مناجات کوتاه در منابع کهن شیعی از قرن چهارم به بعد دیده می‌شود (بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۶ و منابعی که علامه برشمرده است).

۱. محتمل است که اصل شهرت صحیفۀ سجّادیه به «انجیل آل محمد»، با این مناجات - که البته در خود صحیفۀ موجود نیامده - بی‌ارتباط نباشد. درباره‌ی سایر نسخه‌های این مناجات که البته از نظر تاریخ کتابت، همگی جدید هستند (در پژوهش‌های آینده بایستی برای ترسیم روایات کهن تر این دعا، به همه‌ی آن‌ها مراجعه کرد) رک: الذریعة، ج ۲۲، ص ۲۳۹؛ فهرستواره دستنوشته‌های ایران، ج ۱۰، ص ۷ (که البته فقط پنج نسخه معرفی می‌کند، اما بیش از این نسخه دارد. جالب اینجاست که سه نسخه از میان پنج نسخه مزبور به خط یک نفر، در سال ۱۱۲۶ق است) و ج ۶، ص ۱۱۰۱؛ «یک کتاب و چهار نظر»، صص ۱۳۳-۱۳۴ (که در آن یک ترجمۀ فارسی از این مناجات متعلق به عصر صفوی معرفی شده که اطلاعاتش در دنا نیامده است)؛ یادداشت‌هایی بر فهرس نسخ خطی کتابخانه مجلس»، ص ۲۸۷؛ اولین مستدرک صحیفه سجّادیه، ص ۳۹. اشتراک برخی عبارات این دعا با ادعیه‌ای چون المناجاة الالهیات، منسوب به حضرت امیرالمؤمنین، بررسی شده است (نهج السعادة، ج ۶، ص ۶۹؛ المناجاة الالهیات، ص ۵۷). درباره‌ی مناجات الهیات مزبور، علاوه بر اینکه می‌دانیم یک چاپ ساده دیگر به تصحیح علی اوجی سال‌ها قبل منتشر شده توسط کتابخانه مجلس از روی همان دو نسخه چاپ عکسی فخرالدین نصیری (دو نسخه‌ای که احتمال جعلشان بسیار است و مجال بحثش در اینجا نیست) دارد، باید به نسخه‌ی کهنی که گمان می‌رود نصیری نسخه‌ی خودش را از روی آن جعل کرده و اینک در فهرس مجلس معرفی شده مراجعه کرد به شماره ۹۱۴۸ (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۹/۲، صص ۸۰۸-۸۰۶).

٨١

وكيف ما كانا بالملك خزانة القربان وما طرأ ضايف البريات وجالوس طرائق مشروبات من قوسم الاحمر والابيض
العاليه ونوعا والجنس والمنفعة والدايم كذبا، الهيبه والرفعه واحولوا ببناء على خلقه من سخته ليس خادما له
والابور كتحصيل واعداد، والخط بوضعه اجلاسك لتضلع على محرم على الاحتجاجه واصليت عليه واصعد
ولتفرق عليه لما وعذب اولئك من كل اهل وتوجب له ما اوجبته لفضل الباعث في طاعتك وتوفيقه في اجابته
بصوت يجر اجابته في نظير من استحق الربيه الزهده جانا كما اذا الفاضل العظيم الهل نسلما لك وان العبد الهالك
لم الالانت عليك تزلت والملائك وبالسعيه واجرا وافق الابل **ومن مناجات**

يحيى العابد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام الحمد لله خالق المشايخ النعم والبراق تاج
العلم وبويع الامان في الظلمه ونحوه من العدم وان في الاليتيه بالقدم والجلد على الخلق لسبله النعم
ما خلقه عليهم بالفضل والكرم الذي يفرحون كثره الانعام وله فيك كثره المنافع وطرفه اذ اراد ان يزلزل
بما سائر الخلق في موضع خصاياه الانزاق اخوه عليه بالاحسانه واعوذ به من فعل خلكه به واسئله من عباده
واذوق حزن امانه واسئله من عباده من شريك الذي هم اكلان حذره في حركه في المطعمه هم وعصاه وقد
قتلوا في ارضهم وهذه واسئله على الملك بعد ابد جوده تسبخت في الشماش وانها في الاطراف والجمال
واخرها والسنج والفضا بها والجارو جنتها والنجيم في مطالعها والادطار في فواقها ووجوه الارض وساعه ووزنها
وغيرها من ابدانها وامنولها وعذب لمياهه واجارها بصوتها راجع في عجايبها ويسأل الاله والارواح والجنات
القبول واصواتها وخرابها والاعلام واخرها وكذا وقع عليه من اوجسها وجره نعت اوجسها في بيتهم في
المكر او يعرف حيل او قدر او ينسب الى امر او غيره وصوتها في حيزها في اقباله حاسه في حيزها
في ابله في طابعه مستجيبا لرفوته حاسه في منصفه في منصفه في الملال الذي لم يناد الذي يوقته ولا
انقضا الملائكه واسئله من اجل اعداء ان الاله في رسول الامام المحصور بجنه والناس من غير الضلاله باله
ونفر من الجاهل ليهنر بقوله صراقا وسبعه حتى لا يشقهم الهنوع وجنت عليهم الهنوع في الاحسانه انفاذ
فركبه واعلاه وفاقم يحيى صلي عليه وعلى آله في اذ انك في اشدك لولاه بجزم نافر في حيزه في نافر
شبهها في الابان ونفر في اعداء الشيطان اجز الله جده وعبدك حده ثم احسانه ففدضه تقبيل كفا طاهر تقبيل
راضيا رضىه ورفعه الازحمتيه ونحو كرامته وتمت كلمه وكذا صدق وعدله لمبدل لكاه به وهو اسم العبد صلي
العليه على آل رافقيه وروي في قوله صلي عليه جزيه في موصولة مقبوله في انقطاع لغيرها والاضاعه الما تبارها

واعلم ان
عظمي في السموات
داخل حظه وهو انما
واعلم ان
عظمي في السموات
داخل حظه وهو انما

تصوير شماره ٥

پـمـنِ مـنـاجـاةِ جـعـفـرِ الصـادـقِ ؑ (۹۱ پـ ۹۴ پـ): که به این صورت گویا در منابع ثبت نشده، اگر چه فقراقی از آن حتّی به عینه با برخی ادعیّه وارد شده در منابع کهن شیعی مانند کتاب دعایی شیخ طوسی (مصباح المتهدّد، ص ۱۵۷، ۳۵۶ و ۳۷۹) دیده می‌شود. بخشی از آغاز این مناجات چنین است:

الحمد لله شکرًا لآلائه و استدعاءً للمزيد من نعمائه حمد من علم أن ما به
فمن ربّه و ما به من لآواء فيسوء عمله. الهی ائک ندبت إلى مسئلتک و
أمرت بدعائک و ضمنت الإجابة لمن دعاک و لم تخيب من نزع إليك برغبته
و قصدک بحاجته...

- و من ادعيتّه ؑ في الصبح (۹۴ پـ ۹۵ پـ) که شامل دو دعاست که عجالتاً در دو پژوهشی که در گردآوری ادعیّه صادقیه کوشیده است، یافت نشد. سرآغاز دعای نخست چنین است:

اللهمّ بک افلحت و بک انجحت و بک سعدت و بک رشدت و بک اصبحت
و لولاک لم أک شيئاً مذکوراً...

- دعایی با این سرآغاز: «اللهمّ أنت الملك الحقّ و أنت المحمود [دو کلمه اخیر افزوده از تصحیح کاتب در حاشیه] الذی لا إله إلا أنت...» (۹۶ پـ).

- چند دعای کوتاه دیگر که به صورت پراکنده و غیرراسته، به خطّ ریزتری احتمالاً متعلّق به جامع مجموعه، در فضای خالی صفحات ۹۵ پ و ۹۶ پ کتابت شده است. بررسی دقیق و پیگیری صحّت اسناد این ادعیه به ائمه شیعه، تفصیلی و پژوهشی ویژه می‌طلبد که هرچه زودتر بایستی بدان اقدام کرد.

منابع

١. الاعلام، خيرالدين الزركلي، بيروت، دارالعلم للملايين، الطبعة الثامنة، ١٩٨٩، ج ٧.
٢. أعيان الشيعة، السيد محسن الأمين، حققه وأخرجه حسن الأمين، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤٠٣ق، ج ٩.
٣. اقدم المخطوطات العربية في مكتبات العالم المكتوبة منذ صدر الاسلام حتى سنة ٥٠٠هـ كوركيس عواد، الجمهورية العراقية، منشورات وزارة الثقافة و الاعلام، ١٩٨٢.
٤. «اولين مستدرک صحيفه سجاديه»، على صدرايى خويى، ميراث شهاب، سال ١٧، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ١٣٩٠، شماره پيايى، ٤٣-٤٤، صص ٢٣-٥٢.
٥. «باغ ارغوان، كتابخانه و قفى شيخ الاسلام خويى (٢)»، على صدرايى خويى، وقف ميراث جاويدان، سال هجدهم، شماره ٧٠، تابستان ١٣٨٩، صص ٤٧-٩٢.
٦. بحار الانوار، العلامة المجلسى، بيروت، دار إحياء التراث العربى، الطبعة الثالثة المصححة، ١٤٠٣ق.
٧. تاريخ آل سلجوق در آناتولى، از مؤلفى ناشناخته زنده در ٧٦٥هـ ق، مقدمه، تصحيح و تعليقات نادره جلالى، تهران، ميراث مكتوب، چاپ اول، ١٣٧٧.
٨. تاريخ الادب العربى، كارل بروكلمان، نقله إلى العربية الدكتور السيد يعقوب بكر-الدكتور رمضان عبدالنواب، الإشراف على الترجمة العربية ا.د. محمود فهمى حجازى، قم، مؤسسة دارالكتاب الاسلامى، الطبعة الثانية، ١٤٢٩ق / ٢٠٠٨م، المجلد الثالث.
٩. حدايق السحر فى دقايق الشعر، رشيدالدين محمد عمرى كاتب بلخى معروف بوطواط، بتصحيح و اهتمام عباس اقبال، كتابخانه سنابى- كتابخانه طهورى، بهمن ماه ١٣٦٢.
١٠. الدراسات التحوية و اللغوية عند الزمخشري، الدكتور فاضل صالح السامرائى، مطبعة الإرشاد، بغداد، ١٣٨٩ق / ١٩٧٠م.
١١. ديوان سلامة بن جندل، صنعة محمد بن الحسن الأحول، تحقيق الدكتور فخرالدين قباوة، بيروت، دارالكتب العلمية، الطبعة الثانية، ١٤٠٧ق / ١٩٨٧م.

۱۲. روضة الكُتّاب و حديقة الالباب، ابوبكر بن الزكى المتطبّب القونوی الملقّب بالصدّر، به تصحيح و تحشیه میروودود سیدیونسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، فروردین ۱۳۴۹.
۱۳. روضة الكُتّاب و حديقة الالباب، ابوبكر بن الزكى المتطبّب القونوی الملقّب بالصدّر، با مقدّمه و تصحیحات و حواشی علی سویم، آنقره، انجمن تاریخ ترک، ۱۹۷۲.
۱۴. سفینه تبریز، گردآوری و به خطّ ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، تاریخ کتابت ۳-۷۲۱ قمری، چاپ عکسی از روی نسخه خطّی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۵. الصحیفة الثالثة السجّادية، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، نسخه خطّی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۸۱۹ طباطبایی؛ همان، نسخه خطّی شماره ۱۲۳۶۷ (این نسخه زمانی نیز در تملک حاجی میرزا حسین نوری، صاحب صحیفه رابعه بوده است).
۱۶. «صد نسخه نفیس»، علی خلیلی، پیام حوزه (نشریه شورای عالی حوزه علمیه قم)، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۰، شماره پیاپی ۳۱، صص ۱۰۶-۱۱۲.
۱۷. فهرست دیوان‌های خطّی کتابخانه سلطنتی، بدری آتابای، اردیبهشت‌ماه ۲۵۳۵، ج ۲.
۱۸. فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوه به کتابخانه دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵، مجلد ۶ (ج ۳، بخش ۴).
۱۹. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ج ۱۳.
۲۰. فهرست کتاب‌های خطّی کتابخانه مجلس سنا، محمدتقی دانش‌پژوه - بهاء‌الدین علمی انواری، تهران، ج ۲.
۲۱. فهرست کتاب‌های خطّی کتابخانه ملّی ملک، زیر نظر و تألیف ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، با همکاری محمدباقر حجّتی و احمد منزوی، تهران، ۱۳۶۱، ج ۱ (چاپ دیگری از جلد اول).

۲۲. فهرست کتب ادبی- عرفانی خطی کاخ گلستان، بدری آتابای، [تهران]، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۵۶ (تاریخ مقدمه- چاپ جدیدتر است).
۲۳. فهرست ناقمات تعدادی از کتب کتابخانه سلطنتی، باهتنام شادروان دکتر مهدی بیانی، بی تا، بی جا.
۲۴. فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه لس آنجلس، محمدتقی دانش‌پژوه، نشریه نسخه‌های خطی، زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه- اسماعیل حاکمی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳، دفتر یازده و دوازده، صص ۱-۷۷۲.
۲۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، سید محمود مرعشی، با همکاری گروه فهرست‌نگاران کتابخانه، قم، کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ج ۳۰.
۲۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، مجموعه امام جمعه کرمان، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، مهرماه ۱۳۴۴، بجای شماره اول سال سیزدهم مجله دانشکده ادبیات.
۲۷. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، محمود فاضل، مشهد، ۱۳۵۵، ج ۱.
۲۸. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی، سید احمد حسینی، زیر نظر سید محمود مرعشی، قم، بی تا، ج ۴.
۲۹. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، سید محمدحسین حکیم، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ج ۲/۲۹.
۳۰. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، رضا استادی، قم، کتابخانه مسجد اعظم قم، چاپ اول، بهار ۱۳۶۵.
۳۱. فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، سیدجعفر حسینی اشکوری- سیدصادق حسینی اشکوری، زیر نظر سید احمد حسینی اشکوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۴.

۳۲. فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، به کوشش مصطفی درایتی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹، ج ۱۲.
۳۳. فهرستواره کتابخانه مینوی و کتابخانه مرکزی پژوهشگاه، محمدتقی دانش‌پژوه-ایرج افشار، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ نخست، زمستان ۱۳۷۴.
۳۴. القسطاس فی علم العروض، صنعة جارالله الزمخشري، تحقیق الدكتور فخرالدین قباوه، بیروت، مكتبة المعارف، الطبعة الثانية المجددة، ۱۴۱۰هـ / ۱۹۸۹م.
۳۵. قلندریه در تاریخ، دگردیسی‌های یک ایدئولوژی، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۳۶. «کتابخانه دانشگاه شهر آن آربر»، محمدتقی دانش‌پژوه، نشریه نسخه‌های خطی، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، دفتر دهم، ۱۳۵۸، صص ۶۵-۲۲۱.
۳۷. «کتابخانه شهید محمدحسین شریعتی و تازه یافته‌های خطی آن»، احمد شریعتی، آینه پژوهش، سال ۱۶، شماره ۶، بهمن و اسفند ۱۳۸۴، شماره پیاپی ۹۶، صص ۹۷-۱۰۳.
۳۸. کتابخانه‌های عراق و عربستان سعودی، محمدتقی دانش‌پژوه، نشریه نسخه‌های خطی، دانشگاه تهران، دفتر پنجم، ۱۳۴۶، صص ۴۰۵-۵۸۳.
۳۹. كشف الظنون عن أسامی الكتب و الفنون، حاجی خلیفه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ق، ج ۲ (افست از چاپ استانبول).
۴۰. «گزارش سفر پاریس»، محمدتقی دانش‌پژوه، نشریه کتابداری، شماره ۹، صص ۲۴۲-۲۴۳.
۴۱. مجموعه آثار حسام‌الدین خویی، حسام‌الدین حسن بن عبدالمؤمن خوی، مقدمه، تصحیح و تحقیق صغری عباس‌زاده، تهران، میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۴۲. «مجموعه لطافت و منظومه ظرافت (جنگ محمودشاه نقیب)»، جواد بشری، نسخه‌پژوهی، به کوشش ابوالفضل حافظیان بابلی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵، صص ۵۲۳-۵۹۸.
۴۳. مسائل پاریسیه، یادداشت‌های علامه محمد قزوینی، به کوشش ایرج افشار و علی محمد هنر، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ اول، ۱۳۹۰، ج ۳.
۴۴. مصباح المتهدد، للشیخ أبي جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن الطوسی، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱ق.

٤٥. معالم العلماء في فهرست كتب الشيعة و أسماء المصنفين منهم قديماً و حديثاً، الحافظ الشهيد محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني، النجف، المطبعة الحيدرية، الطبعة الثانية، ١٣٨٠ق.
٤٦. معجم التاريخ التراث الاسلامي في مكتبات العالم، علي الرضا قره بلوط-احمد طوران قره بلوط، تركيا، دارالعقبة / قيصري، [الطبعة الاولى]، بي تا، ٦ج.
٤٧. معجم المؤلفين، تراجم مصنفى الكتب العربية، عمر رضا كحالة، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ج ٩.
٤٨. معيار جمالى و مفتاح ابواسحاقى (علم عروض، علم قوافى، علم بدايع الصنائع)، شمس الدين محمد بن فخرالدين سعيد فخرى اصفهاني، تحقيق و تصحيح دكتور يحيى كاردگر، تهران، كتابخانه، موزه و مركز اسناد مجلس شوراى اسلامى، چاپ اول، ١٣٨٩.
٤٩. المناجاة الالهية، سيد ضياءالدين فضل الله بن علي راوندى (م ٥٧٢ق)، تحقيق سعيدرضا علي عسكرى، ميراث حديث شيعه، به كوشش مهدي مهريزى-علي صدرابى خويى، قم، مركز تحقيقات دارالحديث، ١٣٧٨، دفتر دوم، صص ٥٢-٨٨.
٥٠. نهج السعادة في مستدرک نهج البلاغة، محمداقر المحمودى، بيروت، مؤسسة التضامن الفكرى، ج ٦.
٥١. هدية العارفين أسماء المؤلفين و آثار المصنفين، اسماعيل باشا البغدادي، استانبول، طبع بعناية وكالة المعارف الجليلية في مطبعتها البهية، ج ٢ (افست مكتبة الإسلامية و الجعفرى، الطبعة الثالثة، ١٣٨٧ق).
٥٢. «يادداشت هايى بر فهرس نسخ خطى كتابخانه مجلس»، ابوالفضل حافظيان، جنگ انجمن فهرست نگاران نسخه هاي خطى، به كوشش محسن صادقى، قم، مجمع ذخائر اسلامى، ١٣٩٠، دفتر سوم، صص ٢٤٢-٣٠٠.
٥٣. «يك كتاب و چهار نظر»، محمد بركت، عبدالله غفرانى، مجيد غلامى جليسه، سيد محمد حسين حكيم، سفينه، شماره ٨، پاييز ١٣٨٤، صص ١١٥-١٣٩.
٥٤. *Geschichte der arabischen litteratur*, Prof. Dr C. Brockelmann, Leiden, E. J. Brill, ١٩٣٧, erster supplementband

